

مطالعه تطبیقی آیین زار در ایران و سودان*

دکتر سعید زاویه**^۱، مهدی اصل مرز^۲

^۱ استادیار دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۹)

چکیده:

مقاله‌ی حاضر، تحقیقی است تطبیقی بین مراسم زار در جنوب ایران (استان هرمزگان) و شرق آفریقا (سودان) که به روش توصیفی-اکتشافی و با استفاده از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام یافته است. در میان بومیان این منطقه اعتقاد بر این است که بیماری‌های انسان به دلیل بادها یا هواهای شیطانی‌ای است که در بدن آدمی رسوخ کرده و او را دچار کسالت‌های روحی و جسمی می‌کنند. بنابراین می‌توان با مراسم مخصوصی این بادها را آرام کرد و بیماری را از بین برد. مراسم زار دارای موسیقی‌ای ریتمیک بر پایه‌ی سازهای کوبه‌ای است. موسیقی خلسه‌آوری که با اجرای آن و مجموعه اعمالی دیگر از جمله مراسم قربانی، درمان بیمار را موجب می‌شود. از آنجا که به لحاظ دیرینه‌شناسی، ریشه‌های آیین زار از آفریقای شرقی سرچشمه می‌گیرد و در گذر زمان در مناطقی از خاورمیانه و به ویژه کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای سرخ گسترش یافته، این پژوهش در پی آن است تا با بررسی و مطالعه‌ی نقاط اشتراک و افتراق این آیین در آفریقا (سودان) و ایران (هرمزگان) به روند تغییر در دو حوزه‌ی ساختاری (شکلی و محتوایی) و موسیقایی بپردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی:

آیین زار، موسیقی نواحی، باد، ساز کوبه‌ای، بیماری روحی.

* مقاله‌ی حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌ی با عنوان «مطالعه‌ی تغییرات ساختاری و موسیقایی آیین زار در ایران و آفریقا» در دانشکده‌ی هنرهای کاربردی دانشگاه هنر تهران است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۶۰۶۵۱۱۶، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۰۰۲۲۵، E-mail: sssazavieh@yahoo.com

مقدمه

مسلمان، صاف و ناصاف و یا بینا و نابینا هستند. گرفتاران این بادها را که جان سالم به در می‌برند، «اهل هوا» می‌گویند. اهل هوا معتقدند که علاج این دردها «دهل» و «تنبیره» است نه دوا و سوزن. دهل و تنبیره‌ای که متولیانشان باباها و ماماها (جادو در مانگران) هستند که با به صدا درآوردن این سازها، بادرندگان را درمان کرده و به گروه اجتماعی جدیدی وارد می‌کنند، از این پس بیمار مانند درمانگرش هویت اجتماعی تازه‌ای یافته و در هویت جدید دیگر احساس ضعف نمی‌کند و دارای مسئولیت‌های جدیدی می‌گردد. زار مراسمی است که از قبایل ابتدایی شرق آفریقا برجای مانده و مطالعه‌ی آن که به عنوان یک آیین درمان بیشتر میان زنان و بردگان سابق رایج است به درک آداب و اعتقادات این منطقه کمک می‌کند. زار در زمره‌ی اعتقادات معنوی این منطقه قرار دارد که در آن تأکید بر آن است که خداوند تنها قدرت جهان است. این مراسم در طی نسل‌ها دستخوش تغییراتی شده و در هر کشور چیزی به آن افزوده و یا از آن کم شده است. مثلاً موسیقی مخصوص بادهای آرام در هر کشوری براساس دین و مذهب مخصوص آن کشور تغییر یافته، اما موسیقی زار با همان حالت ابتدایی خود پابرجاست. معتقدات اهل هوا در سواحل ایرانی در سیر تکوینی خود رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته و اشعار آن از شکل اولیه و جادویی آفریقایی با اشعاری در مدح پیغمبر اسلام جا عوض کرده‌اند. امروز موسیقی زار به سان موسیقی محلی ایران درآمده و در پی نسل‌ها اصالت خود را حفظ کرده است.

اولین نوشته درباره‌ی «زار» در ایران از تقی مدرسی است در «یادداشت‌هایی از سفر به جنوب» در ماهنامه‌ی «صدف» که خود او بنیان گذاشت و در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به چاپ رسید. اما موضوع زار در ادبیات انسان شناسی ایران نخستین بار در اثر غلامحسین ساعدی در کتاب «اهل هوا» در سال ۱۳۴۵ مورد بحث قرار گرفت. کتابی دیگر «زار و باد و بلوچ»، اثر علی ریاحی است که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی نوشته شده است؛ این کتاب گزارشی فشرده از نمونه‌های آیین زار در سیستان و بلوچستان به دست می‌دهد. محمدرضا درویشی نیز در کتاب دو جلدی خود با عنوان دایره‌المعارف سازهای ایرانی به بررسی جنبه‌ی موسیقایی این آیین پرداخته است.

ارواح و به خصوص ارواح خبیث همچون تارهای نامریی، زندگی ساحل نشینان بومی استان هرمزگان را به هم دوخته و آنان را در چنگال خود به هم می‌فشارند. اعتقاد بومی به وجود این هیولاهای آنچنان است که به هیچ روی نمی‌توان در آن شکافی ایجاد نمود و در این اعتقاد چنان راسخند که معالجه را فقط از دست‌های شفابخش جادو در مانگران پیر می‌جویند، نه پزشک شهری. پاره‌ای از این ارواح خبیث همراه و همپا با مهاجرت سیاهان در دوران برده داری از آفریقا به این دیار آمده و عده‌ای نیز در تمام طول تاریخ همراه ساکنان اصلی این سرزمین زیسته و با حیات آنان در آمیخته‌اند. این ارواح را «باد» یا «هوا» نام نهاده‌اند که کافر و

بادباوری

چند گروه تقسیم می‌شوند. ساعدی بادهای پراکنده در سواحل و جزایر خلیج فارس را به هفت گروه (زار، نوبان، مشایخ، جن، لیوا، پری، غول) (همان، ۴۹) و ریاحی بادهای پراکنده در بلوچستان را به پنج گروه (زارها، بادها، جن‌ها، دیوها و مشایخ) تقسیم می‌کند (ریاحی، ۱۳۵۶، ۳). بادها را به دو گروه مسلمان و کافر نیز تقسیم کرده‌اند. بادهای مسلمان را صالح و بینا می‌پندارند. بادهای کافر را کور و ناصالح می‌انگارند. بادهای نوبان و مشایخ مسلمانند. زار، بادی کافر است. در برخی از سرزمین‌ها، مردم میان این گونه ارواح و گروه بندی‌های اجتماعی در جامعه پیوندی قائل‌اند. مثلاً در جامعه‌های آفریقایی، آنها را غالباً سایه‌هایی از نیاکان، یا ارواح دودمانی و خانوادگی خود می‌انگارند. در ایران این چنین پیوندی میان بادهای مشایخ دیده می‌شود. مردم بلوچستان، بادها را به مهاجر و بومی تقسیم می‌کنند و می‌گویند ارواح مهاجر همراه سیاهان آفریقایی به ایران و نواحی بلوچستان آمده‌اند و ارواح بومی از ساکنان قدیمی این نواحی بوده‌اند (ریاحی، ۱۳۵۶، ۲). زار نیز انواع متفاوتی دارد. این تفاوت در نوع ریتم حرکت و «اوراد» و آواز است. ساعدی سیزده نوع زار را نام می‌برد: متوری، شیخ

باد یا هوا یکی از اسرارآمیزترین خدایان هند و ایرانی بوده است. در دوران باستان برای وایو شخصیتی واحد با سیمایی دوگانه قائل بودند. نیکوکار بود و در عین حال شوم، نیرویی هراس‌انگیز بود و شخصیتی بی‌رحم که با مرگ پیوستگی داشت و کسی را یارای گریز از راه او نبود (هینلز، ۱۳۸۷، ۳۴). از «ایزد وایو» (vāyu) در رام یشت (پانزدهمین یشت اوستا) و از «دیو وایو» همراه با دیو مرگ «آستوویذتو»^۱ در وندیداد نام برده شده است. کرده‌ی یازده و بند چهل و دوم به بعد که از افزوده‌های جدید است، توصیف این خدای بزرگ آریایی است. او در هیأت یک ایزد موکل بر سرنوشت و نیکی و بدی توصیف شده است (رضی، ۱۳۶۳، ۳۱۷). باور به ثنویت و به دو نمود خیر و شر، اندیشه‌ای آریایی بوده و ظاهراً به دوره‌ی هند و ایرانی می‌رسد و با ظهور اسلام در اندیشه و ذهن مردم مسلمان نیز پدید آمد. علامه مجلسی بنابر حدیثی، باد را کنایه از جن گرفته و آن را «بادجن» نامیده است (بلوکی‌باشی، ۱۳۸۰، ۴۷۸). مردم سواحل جنوب کسائی را که به تسخیر بادهای بیماری‌زا درآمده و از گزند آنها رسته‌اند، اصطلاحاً «اهل هوا» می‌نامند (ساعدی، ۱۳۵۵، ۴۶). بادها بنابر حوزه جغرافیایی و شکل و ویژگی و شیوه‌ی عمل به

سازهای مراسم زار در ایران

تمبیره (Tambire)

ساز مقدس باد نوبان است. کاسه‌ی بزرگ و مدوری از چوب توت یا گردو با روکشی از پوست گاو دارد که با روده‌ی بز یا آهو بر روی کاسه نصب گردیده است. اگرچه در سودان و اریتره از این ساز برای همراهی آوازهای حماسی و عاشقانه استفاده می‌شود، باید گفت که بربط کاسه گرد در همراهی آوازهای مراسم نوبان قدمت بیشتری دارد. به هر حال تمبیره چیزی جز «کیسار حبشی» یا «کرار» یا «تمبورای اتیوپیایی» نیست. تمبیره شش عدد زه دارد و کوکش همیشه ثابت است (درویشی، ۱۳۸۰، ۳۴۴).



تصویر ۱- تمبور، اتیوپی، موزه هورنیمین لندن.
ماخذ: (درویشی، ۱۳۸۰، ۵۶۲)



تصویر ۲- تمبیره، هرمزگان، جزیره قشم.
ماخذ: (سایت موزه هورنیمین لندن)

دهل دوسر بزرگ (دهل گپ)

بزرگترین دهل دوسر است که در سرتاسر هرمزگان با تفاوت‌هایی در شکل و اندازه مشاهده می‌شود و در بیشتر مراسم به کار می‌رود. دو طرف آن را پوست کشیده‌اند، یک طرف را با چوب و طرف دیگر را با دست می‌نوازند.

جوره و کسیر (jore & kaser)

با توجه به کارکرد خود، ساز واحدی است که در مناطق مختلف هرمزگان گاه به کسیر و گاه به جوره مشهور است. این ساز، دهلی

شنگر، دینگه مارو، ام گاره، بومریوم، چین یاسه، په په، دای کتو، بوجمبه، بابور، نمرو، تقروری و قصاص. بعضی باباها و ماماها دینگه مارو را جزو انواع زار نمی‌دانند. بعضی دیگر باد جنو را جزو بادها می‌دانند ولی ساعدی آن را شیخ جنو که جزو مشایخ است، می‌داند. مسکن اصلی بادها سواحل آفریقا، سواحل هند و عربستان و ایران است. این روح بادها بیشتر در فضاهای آکنده از وحشت و اضطراب و در عرصه‌های فقر و بیکاری و میان سیاهپوستان مهاجر و لایه‌های فرودست که محرومیت ذهن و روان آنها را پریشان کرده عمل می‌کنند. زن‌های فقیر بیشتر از مردان فقیر دچار می‌شوند چرا که زن‌ها بیشتر از مردها گرسنگی می‌کشند و بیمار می‌شوند. بادها در نقاط خاصی به شکار قربانیان می‌پردازند. سرچاه آب، سرچشمه به هنگام غروب آفتاب، کنار آب انبار و دریا و هیچ راهی برای پیشگیری نیست. در جامعه‌ی آفریقایی نیز زنان بیش از مردان در معرض فشار و تنش عاطفی‌اند. تسخیرشدگی زار وسیله‌ای برای بیان مشکلات زنان در اختیار می‌گذارد، هرچند نباید به صراحت بیان گردد. زار فرصتی ارزانی زن می‌دارد تا آزاد از قیود و رسوم اجتماعی عمل کند (الشاهی، ۱۳۸۷). در میان اهل هوا در جنوب ایران، هر بادی جادو پزشکی خاص خود را دارد که به نام آن باد خوانده می‌شود. مثل بابازار، مامازار، بابانویان و مامانویان. برخی از این جادو درمان‌گران با چند باد مختلف سر و کار دارند و می‌توانند آنها را تسخیر و رام کنند. مرتبه‌ی هر بابا یا ماما به شمار خون‌های قربانی‌هایی که در مجالس جن‌زدایی خورده است و شمار خیزران‌هایی که دارد و همچنین تعداد و قدرت ارواحی که او را تسخیر کرده‌اند بستگی دارد (ساعدی، ۱۳۵۵، ۴۸). کار احضار و تسخیر روح در مصر و سودان بیشتر با زنان بوده که آنها را «شیخه» می‌نامیدند (Boddy, 1989, 130).

پراکندگی جغرافیایی آیین زار

اعتقاد به تسخیر روح یا جن زدگی در فرهنگ اقوام مسلمان جهان با نام‌های گوناگون وجود دارد. در نیجریه و شمال آفریقا، «بوری»؛ در سومالی، «سار»؛ در حبشه، «زار»؛ در عمان، زار و «زیران» (جمع زار) و در سودان با نام زار و زیران و «نوبان» مشهور است. در شمال سودان دو شکل زار کاربرد دارد، «زار-بوری» و «زار-تمبورا» که اولی عناصری از بوری در نیجریه دارد و دومی به ارواح شریر مربوط است و بیماری خطرناک است. اکنون این دو با هم تلفیق شده، به «زار» مشهور گشته‌اند. در ایران، آن را زار می‌نامند (در سیستان و بلوچستان گوات و در بوشهر شیخ فرج خوانده می‌شود)؛ در حبشه، مسلمانان و مسیحیان عقیده دارند که زار به طور عمده در رودخانه‌ها و آب‌های جاری زندگی می‌کند. در جنوب سودان، آیین «شاطانا» (shatana) (ریشه‌ی عربی شیطان)؛ در چاد، «لبان شیطان» (libanshytan)؛ در میان اقوام «دیگو» در جنوب سواحل کنیا، «شیطانی» (shaitani) و در میان «سیگجو»های سواحلی زبان در تانزانیا، «شیطانی» (shetani)، همان آیین زار هستند با نامی متفاوت (Ibid, 133).

بیمار را در پتو می پیچند و به مکانی بیرون از روستا می برند. او را درون دایره ای که از قبل کشیده اند قرار می دهند. در این هنگام سه عدد مشعل و سه عدد عود روشن می کنند بعد مرغی را سر می برند و به گوشه ای می اندازند. بشقابی چنگال (čangāl) (خوراک خرما) و یک بشقاب که روی آن سه قرص نان کوچک قرار دارد آماده می کنند و آنها را در سه ردیف پشت سر هم در کنار مشعل ها می چینند. طناب کلفتی که سرشته آن را با یک تکه چوب به هم متصل کرده اند و شکل دایره دارد (پروند) و یک ظرف به شکل دایره (پری) را به کنار مریض می آورند. دو نفر از حاضران مریض را به ترتیب از ظرف، طناب و چوب رد می کنند بعد از روی مشعل ها می گذرانند. یک بار دیگر این کار را تکرار می کنند ولی عکس ترتیب قبل. بعد از این کارها بیمار مقابل آتش می نشیند، دست خود را روی آن می گیرد و به صورت و کمر خود می کشد و زیر لب می گوید "شفا". این کار را سه بار تکرار می کند، بعد یکی از مردان پارچه ای روی سرش می اندازد و همگی به اتفاق بیمار می روند. بعد از آن، مراسم سفره ی کوچک با عنوان «شیرینی» برپا می کنند و بابا نوع زار را تشخیص می دهد.

بخش دوم وقتی است که بابا یا ماما تشخیص می دهد که شخص به یکی از زارها مبتلا شده بنابراین او را مدت هفت روز در حجاب و دور از چشم دیگران نگه می دارد. در این مدت چشم هیچ زن و مردی، چه محرم و چه نامحرم، نباید بر وی بیفتد. تمام شب هایی که شخص مبتلا در حجاب است، بابا یا ماما معجون «گره کو» (gareku) که مواد عمده اش عبارتند از: ریحان، زعفران، بوخس آ، هل، جوز آ، زبان جوچه، گشته^۵ (ساعدی، ۱۳۵۵، ۵۲)، شیرخ خرما، گل سرخ و تنباکو را به تن وی می کشند. این ماده را به مدت چهل روز در یک ظرف نگی می دارند تا عمل آید. بدن بیمار را با آب دریا تطهیر می کنند. تمام مواد را در گلاب خیس می کنند و هر شب به تن شخص مبتلا می مالند و مقداری به خوردش می دهند. گره کو را بعضی اوقات در سر قلیان گذاشته و می کشند و باعث سرگیجه و نعشگی می گردد. صبح روز بعد از ختم دوره ی حجاب که ممکن است هفت روز طول بکشد بدن مریض را خوب تمیز می کنند و خاکی پاک از اطراف روستا را با هفت برگ از هفت گیاه بی خار مخلوط کرده همراه گره کو به تن وی می مالند.



تصویر ۴- آیین زار، بنبر عباس، باباقرآن راروی سر بیمار گذاشته. ماخذ: (کسراییان، ۱۳۸۱، ۱۳۴)

دو طرفه است که ویژگی های ظاهری و ساختاری اش شبیه گپ دهل اما اندازه اش هم از گپ دهل هم از پی په کوچک تر است و به عنوان ساز مکمل این دو استفاده می شود (درویشی، ۱۳۸۰، ۱۵۷).

پی په (pi pe) (دو طرفه و یک طرفه)

پی په دو طرفه، دهل دو طرفه است که ویژگی های ظاهری و ساختاری آن شبیه دهل اما اندازه ی آن کوچک تر است و غالباً به عنوان ساز مکمل دهل مورد استفاده قرار می گیرد. پی په یک طرفه (مودندو) دهل یک طرفه است با یک طرف باز. هم با دست نواخته می شود هم با چوب. بدنه ی شکم دار این نوع، چلیک یا بشکه ای چوبی است که از کنار هم قرار گرفتن تعدادی تخته به وجود آمده است. دهانه ی بالایی بدنه با پوست پوشیده شده و پوست نیز با تعدادی میخ چوبی بزرگ بر اطراف بدنه کوبیده شده است (همان، ۱۳۴۱).



تصویر ۳- پی په (هر دو نوع)، گپ دهل، جوهره و کسر. ماخذ: (جلالی نیا، ۱۳۸۷، ۸۹)

مراسم زار در ایران (هرمزگان)

باباها و ماماها با موسیقی بیماری را تشخیص می دهند. موقعی که برای مریضی که در وسط نشسته ریتم های مختلفی بززند، با یکی از ریتم ها رقصش می گیرد؛ از اینجا مرضش را تعیین می کنند. چون هر یک از ریتم ها اسمی دارند؛ زار، نوبان، بادجن... که برای خودشان مشخص است و این طریقه ی تشخیص مرض است. ساعدی می گوید ابتلا به هر یک از انواع زار با علائم به خصوصی شروع می شود که شامل علائم بدنی و علائم روحی می باشند. مثلاً باد مَتوری با حمله ی قلبی، دینگه مارو با سردرد و چشم درد، بو مَریوم با کمردرد و دای کتو با بی حرکتی و درخود فرو رفتگی (ساعدی، ۱۳۵۵، ۴۲). یک بخش از آیین زار، عمل «مُجَرَتی» (mojarati) است که ممکن است در بعضی مراسم این عمل انجام نشود. شاید بتوان مراحل اجرای این آیین را به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول، عمل مُجَرَتی؛ بخش دوم، دوره ی حجاب؛ و بخش سوم، پایین آوردن باد و رام کردن آن.

قبل از اینکه مشخص شود شخص زار دارد یا نه باید کارهایی مقدماتی انجام شود و یکی از این کارها بیرون کردن جن از بدن بیمار است. می گویند کسی که زار دارد جن هم دارد پس باید اول جن را از بدن بیرون کرد تا زار هم زیر شود. وقتی جن کسی را بیرون می کنند می گویند عمل مُجَرَتی صورت گرفته است. عمل مجرتی را شب های چهارشنبه انجام می دهند. به این صورت که



تصویر ۵- بابا زار با حرکت دادن خیزران مراسم را شروع می‌کند (کتاب هر مژگان، ۱۳۸۸، عکس از احمد بازماندگان قشمی)

نایی/ دوئی و انت دوئی» (ساعدی، ۱۳۵۵، ۵۵). در مراسم نوبان که بادی مسلمان است معمولاً اشعار چنین شروع می‌شود: «دائماً دائم الله/ نائم قم صلا/ اوه یا نبی یا نبی/ اوه یا نبی یا نبی یا رسول الله». و با این اشعار پایان می‌یابد: «ناد ولی مریم/ تقرأ لی سوره/ سوره تبارک/ صلی علی احمد/ یا ایها الحاضرين/ نور تشعشع/ ارض المدینه» (صدا بزنی برای من مریم را/ برای من سوره بخوانید/ سوره تبارک را/ صلوات بفرست بر احمد/ ای حاضران/ نوری درخشید/ از زمین مدینه) و حاضرین دعا می‌کنند و تمبیره را می‌بوسند و بازی تمام می‌شود. تنها تفاوت مجلس نوبان با مجلس زار وجود همین ساز تمبیره در مراسم نوبان است و البته اینکه این مجلس سرپا بازی می‌شود که در این مورد با نوع سودانی شبیه است. در مراسم یکی از مشایخ نیز با نام «شیخ فرج» که بادی مسلمان است یکی از اوراد به این شکل است: «شلل الله یا ادروس/ شلل الله یحیی النفوس/ شلل الله یا سید احمد ساکن العدن» (بلند کرد خدا ادروس را/ بلند کرد خدا زنده کننده‌ی روح را/ بلند کرد خدا سید احمد ساکن عدن را). بیشتر اشعار و اوراد به دلیل بی سواد بودن بابا و ماما درست ادانی می‌شود و در بعضی دعاها که به زبان عربی است باز هم کاملاً واضح نیست چه می‌گویند. برخی دیگر ممکن است تغییر شکل یافته‌ی شعرهای اصلی باشند که شکل مذهبی به خود گرفته است. بعد از یک مدت بازی، مبتلای زار آرام آرام تکان می‌خورد و این نشان می‌دهد که باد به حرکت درآمده است. مجلس بازی در سواحل همیشه در فضای باز اجرا می‌شود و به صورت دایره حلقه می‌زنند و مبتلا را در وسط می‌نشانند. بازی معمولاً چند شبانه روز طول می‌کشد و دیده شده تا هفت شبانه روز کوبیده اند تا باد به زیر آمده است. به هر صورت ابتدا شخص مبتلا که روی سرش یک پارچه‌ی لململ سفید انداخته اند شروع به لرزیدن می‌کند و از شانه‌ها به تمام بدن سراپت می‌کند. بازی وقتی به اوج می‌رسد که سر شخص مبتلا کاملاً پایین آمده اینجا بابا یا ماما حرکات زار را برای خارج شدن از بدن بیمار منظم می‌کند، بدین صورت که با خیزران روی شانه‌های مریض می‌زند و می‌گوید «طلحه» (بیا) که باد را هدایت می‌کند تا به سر بیمار برسد که در اختیار بابا یا ماما باشد و سرانجام آن را از گوش یا پا خارج کند و در ضمن تکان‌های شدید، از ظرف خونی که در برابرش هست خون بخورد. در این موقع صدای دهل‌ها بیشتر اوج گرفته و آوازه‌ها بلندتر می‌شود. در چنین مرحله‌ی علاوه بر شخص مبتلا، زار داخل سرِ عده‌ی زیادی هم طلع می‌کند و همه در

مرحله‌ی سوم آیین، تشکیل مجلس بازی است. یک روز پیش از اجرای مراسم، زنی که خود از «اهل هوا» است خیزران به دست راه می‌افتد و تک تک درها را می‌زند و اهل هوا را برای بازی دعوت می‌کند. این زن را خیزرانی می‌گویند. نزدیک ترین شخص به بابا یا ماما همین خیزرانی است. بیشتر دعوت شدگان «دختران هوا» هستند که در تمام مجالس اهل هوا جمع می‌شوند و همراه مردها دم می‌گیرند و بازی می‌کنند. غیبت اهل هوا در مراسم مجاز نیست. تا جایی که می‌توانند مراسم را از دید غریبه‌ها دور برگزار می‌کنند. در ابتدای مجلس بابا یا ماما زار با دهل‌های مخصوصش (پی‌په، گپ دهل، کسیر) در صدر مجلس قرار می‌گیرد. جلوی دهل‌ها سینی نقره یا ورشویی می‌نهند که توی آن «گشته‌سوز» و «کندروک درمائی» را در ظرف مخصوصش ریخته‌اند. بابا یا ماما زار مقداری کندروک را توی آتش می‌ریزد و دهل‌ها را دود می‌دهد. قبل از شروع مجلس سفره مفصلی پهن کرده‌اند که در این سفره همه چیز موجود است، از جمله انواع غذاها، گیاهان معطر، انواع ریاحین جنوب، میوه‌ی کنار و خرما و گوشت قربانی. خون سرسفره، خون قربانی زار است که یک بز یا یک گوسفند است. باید گفت قربانی هنگامی لازم می‌آید که بابا یا ماما تشخیص بدهند زار از نوع سنگین است مثلاً شیخ سنگر. برای بادهای سبک قربانی لازم نیست. انجام دادن قربانی خود دارای آداب خاصی است. بز یا گوسفندی را می‌آورند و به اصطلاح زاری سوار بر آن می‌شود اما در عمل حالت سواری روی قربانی را به اندازه‌ی دو سه گام تقلید می‌کند یا این که آن را بغل می‌کند. زاری‌ها که هر کدام یک پرچم در دست دارند، دست زنان دور چوبی که قربانی را به آن بسته‌اند همراه با آن می‌چرخند. این پرچم تکه‌ای پارچه است که بابا زار پس از خوردن خون در یک مجلس زار سنگین به زاری می‌دهد و در مراسم بعدی همیشه آن را با خود می‌آورد. بعد از خوردن خون قربانی شب نیز بقیه‌ی اجزا را می‌پزند و به مریض می‌دهند و بخشی دیگر صرف غذایی برای حاضرین در مجلس می‌شود. هرکسی که وارد می‌شود اگر زار کافر باشد سلام نمی‌کند، کفشش را بیرون می‌کند و می‌نشیند و با هیچ‌کس صحبت نمی‌کند. از صرف جای یا قهوه، نباید استکان را زمین بگذارد بلکه باید منتظر شود خادم مجلس بیاید و استکان را از او بگیرد و بعد، ماما یا بابا زار مجلس را با تکان دادن خیزران شروع می‌کند. امروزه بسیاری از آداب قدیمی رعایت نمی‌شوند. مثلاً در گذشته رسم بر آن بوده که هنگام ورود به مجلس زار، کفش‌ها را از پا بیرون آورند که امروزه این رسم چندان رعایت نمی‌شود. قدیمی‌ها در هنگام برگزاری آیین همگی سکوت می‌کردند اما امروز با هم صحبت می‌کنند.

خود بابا یا ماما پی‌په (موندو) می‌زند و شعر می‌خواند دیگران هم با او دم می‌گیرند. آواز و اشعار زاران در سواحل آفریقا به زبان سواحلی (Swahili) است ولی در ایران، بیشتر به زبان عربی است که بعد از چند بیت تبدیل به اشعار نامفهوم سواحلی می‌شود و کمتر کسی معنی آنها را می‌فهمد. ولی با وجود این، همه ساعت‌ها می‌توانند به زبان ناآشنای سواحلی غنی کنند. در شعر زیر بعد از چند بیت عربی، اشعار به سواحلی تبدیل می‌شوند: «کل زار وفو/ انا ما وفونی/ شیخ سنگر رضو/ و انا ما رضوتی/ و زفنا و زفش

خاموش» می‌گیرد و این بدان معناست که در این مجلس موسیقی اجرایی نمی‌شود.

مراسم زار در سودان^۸

زار در آفریقا معمولاً برای زنان است. بیمار وقتی می‌تواند مراسم بگیرد که پول کافی برای این کار اندوخته باشد. هزینه‌ی برگزاری مراسم بالاست، مخصوصاً وقتی که شخص برای اولین بار بیمار شود، همینطور است برای زن تازه عروس. پول‌های جمع شده صرف خرید عطرها، بخورها، حنا، شیرینی، شکر، قاثوت، چای، قهوه، سیگار، مشروبات الکلی (سال ۱۹۸۳ ممنوع شد) و حیوان قربانی که مورد استفاده‌ی ملازمان قرار خواهد گرفت، می‌شود. به علاوه تقاضاهای روح مانند: لباس نو، جواهر، اهل بیت خوب، غذاهای مخصوص که باعث از بین بردن آزار و اذیت روح می‌شوند (Boddy, 1989, 159). عطر و بخور است که باید در طول مراسم برقرار باشد و علت آن این اعتقاد است که ارواح زار نظیف‌اند و شمیم خوش را می‌پسندند و این امر موجب شادی و در نهایت بهبودی فرد تسخیر شده می‌گردد. انواعی از عطرها و بخورهایی که بکارگرفته می‌شود عبارتند از: کلوسنیت، مرَمَکی، بنژوئن^۱ ریشه شیرین بیان^۲، مصطکی^۳، صندل^۴، عطری مردم پسند به نام دفت سودان و نبت السودان و عطری که از گیاه پرونوس مَهَلَب^۵ به دست می‌آورند (الشاهی، ۱۳۸۷). بیمار در طول دوره‌ی عزلت نباید به صورت مستقیم با کسی ارتباط داشته باشد حتی با شوهرش. بیمار باید از نزدیکی جنسی و کارهای بدنی پرهیز کند. به عنوان مثال نباید به مراقبت از فرزندان خود بپردازد مگر اینکه فرزند خود را هنوز از شیر نگرفته باشد. زیرا او هم در این آزار و اذیت مادر توسط روح شریک می‌شود. توجه این مسأله این است که فرزند شیرخوار هنوز خود مختار نشده است. ادوات موسیقی که تشکیل می‌شود از کیسار، جفجغه، یک طبل (دلوکه)، یک تشت کم عمق از جنس آلومینیوم، یک هاون از جنس برنج (nugarishan) و یک یا چند پیت حلبی (jarikana) و یک صندلی که خواسته‌های روح را روی آن می‌چینند و با پارچه‌ای سفید می‌پوشانند فراهم می‌شود. چنانچه شیخه پس از کنار زدن پارچه اقلام تدارک شده را تأیید کند، آن را کرسی تمامه، یا صندلی کامل اعلام می‌کند و این نشانه‌ی شروع مراسم است (Boddy, 1989, 160-163).



تصویر ۷- نوازنده‌ی تمبورادر مراسم زار (نوبان) در شمال سودان. ماخذ: (Egyptian center for culture and art)

حال سر جنباندن از خود بی‌خود شده و غش می‌کنند. بنابراین به تعداد زارها و بلکه بیشتر، وزن و آهنگ بازی تغییر می‌کند. پی‌په و دهل گپ تنها سرعت وزن را معین می‌کنند و اغلب با هم یکنواخت کوبیده می‌شوند. تنها کسیر است که با تغییر ضربه‌ها وزن را عوض می‌کند. اگر لازم باشد به بیمار خون بدهند، هنگام آوردن خون به سر سفره ریتم کوبش تندتر می‌شود و اینجا اصطلاح «آهنگ خون» را به کار می‌برند. در برابر یکی از این آهنگ‌هاست که زار شخص مبتلا تکان خورده، حرکت کرده و پایین می‌آید.



تصویر ۶- مراسم زار، هرمنگان، جزیره قشم (کتاب هرمنگان، ۱۳۸۸، عکس از احمد بازماندگان قشمی)

بابا ابتدا از او می‌پرسد اهل کجاست، اسمش چیست و برای چه این مرد یا این زن را اسیر کرده، زار نیز به زبان خودش جواب می‌دهد. البته تمام این حرف‌ها با صدای تغییر یافته‌ی بیمار شنیده می‌شود ولی به زبان اصلی خود زار. بعد بابا یا ماما از زار می‌خواهد که مرکب خود را آزاد کند. زار که معمولاً سفره لازم دارد، خواسته‌های خود را اعلام می‌دارد. بعضی زارها پرتوقع‌اند و طلا می‌خواهند مانند باد «متوری» و بعضی کم‌توقع هستند و به یک خیزران کوچک چند بندی اکتفا می‌کنند مانند «بو مریوم». اگر شخص مبتلا فقیر باشد بابا یا ماما زار، «رهن» می‌دهد؛ یک تکه پارچه یا نخ یا یک تکه آهن ارزان قیمت را به بازوی شخص می‌بندد تا زار به مرکبش فرصت بدهد خواسته‌هایش را تأمین کند. زار می‌رود و سر موقع می‌آید و اگر رهن ادا شده باشد در امان خواهد بود در غیر این صورت مرکبش را می‌کشد. به هر حال بعد از تشکیل مجلس بازی و زیرکردن زار و راضی کردن او، دیگر زار مودنی نیست اگرچه مبتلای زار، از آن حال اول‌رهایی یافته، اما برای همیشه همان باد در سرش باقی می‌ماند. بعد از شنیدن شعر و صدای دهل و دیدن سفره، زار دیگر وحشی و آزارنده نیست. رعایت برخی مطهرات و محرّمات برای هر یک از اعضای جرگه‌ی اهل هوا بایسته است. پوشیدن لباس سفید و پاکیزه، شست‌وشوی مرتب خود و عطر آگین کردن بدن از جمله شایسته‌ها؛ دست زدن به مرده‌ی انسان و حیوان، دست زدن به نجاسات و آلوده کردن خود، پوشیدن لباس کثیف و آلوده، آشامیدن باده، نزدیکی کردن با نامحرم، دست زدن به کارهای ناروا و خلاف، آزار رساندن و صحبت کردن در برخی از مجالس، مانند مجلس زار، از جمله ناشایسته‌ها به شمار می‌روند (ساعدی، ۱۳۵۵، ۵۹). ماه رمضان، محرم یا صفر این مراسم برپا نمی‌شود اما بابا یا ماما به زاری سرکشی می‌کند و برای او مجلسی به نام «مجلس

چندگاه که میسر باشد، او را به رقص وا می‌دارند زیرا این عمل دفع تنش کرده و موجب رضای روح می‌گردد. با از میان رفتن تنش، شخص تسخیرشده اجتماعی تر می‌گردد. در روز هفتم، اقامت درخواستی آورده می‌شود. گوسفندی بزرگ را به محل رقص یا میدان می‌آورند، اما پیش از کشتن حیوان دست و پا و پیشانی حیوان را حنا می‌بندند و روی آن را با پارچه‌ای سفید و یا قرمز و طلایی^{۱۵} می‌پوشانند. در این هنگام نوازنده‌ها می‌نوازند و مجمر حاوی مواد بخور ملایم را به زیر پوشش قربانی می‌برند و حیوان را مجبور به استنشاق دود می‌کنند. پیچ و تاب های قربانی را که سعی می‌کند پارچه را کنار زند، رقص تعبیر می‌کنند. ذبح کننده گوسفند نباید به هنگام ذبح نام خدا را بیاورد^{۱۶}، این درحالی است که بسمل کردن حیوان در میان مسلمانان رواج دارد. ذکر نام حق کل غایت قربانی کردن را از میان می‌برد، زیرا در اعتقاد زار، این امر موجب دخالت او می‌شود و در این صورت روح از بدن فرد تسخیرشده خارج نمی‌گردد. شخص تسخیرشده هفت بار از روی حیوان قربانی شده می‌پرد تا بلکه مشکلات، دلشوره و بیماری را پشت سر نهد. خون قربانی را درون یک کاسه کنار طبل‌ها می‌گذارند. شیخه مقداری از خون را خود می‌چشد و به خود می‌مالد و مقداری خون آغشته به عطر به بیمار می‌دهد تا بیاشامد و قطراتی از خون روی پیشانی، نوک زبان و کف دست بیمار و گاهی اوقات هم به بازوها و پاهای او می‌مالد (Ibid, 129).



تصویر ۸- مراسم زار، جنوب مصر، مراسم سرپا بر گزار می‌شود.
ماخذ: (Egyptian center for culture and art)

در پایان مراسم، فرد تسخیرشده را لب رودخانه می‌برند تا صورت خود را بشوید. آنچه از حنا، آب نبات، خون و استخوان قربانی باقی مانده، جهت استفاده‌ی ساکنان رودخانه (اهل البحر) ریخته می‌شود چرا که معتقدند ارواح در رود نیل نیز خانه دارند. آنچه را به رودخانه ریخته می‌شود نباید آلوده شمرد زیرا نیل به شکل عامل تطهیر عمل می‌کند و همین امر توضیح می‌دهد چرا ارواح زار از این عمل ناراحت نمی‌شوند. آیین زار هنگامی پایان می‌یابد که شخص تسخیرشده به مدتی معین (حدود چهل روز) به انزوا در خانه خود برود و در این مدت او فقط اجازه‌ی ملاقات با خویشان مؤنث و شیخه را دارد. مدام به او عطر و بخور زده، تمارش می‌کنند. این دوره‌ی گوشه نشینی را نمایانگر یک دوره انطباق می‌دانند که پس از آن فرد به زندگی عادی می‌پیوندد.

روش متداول استفاده از تکه‌ای پارچه (علق) متعلق به فرد تسخیرشده است. شیخه این تکه پارچه را زیر یا روی بالش انداخته و روی آن می‌خوابد تا زمانی که رویایی ببیند که در آن روح هویت خود را آشکار و تقاضای خود را مطرح کند. روح به شیخه تأکید می‌کند در صورت برآورده شدن تقاضاهایش علاج قطعی است، زیرا در اعتقاد به زار، اطلاع از این خواسته‌ها کلید درمان (مفتاح العلاج) است. معتقدند که شخص تسخیرشده تحت فرآیند رویابینی قرار گرفته و مراسم آنقدر ادامه خواهد یافت تا رازگشایی روح و تقاضاهایی که از شیخه کرده با آنچه از شخص تسخیرشده خواسته یکسان باشد. پیش از شروع، بیمار را تمیز داشته، لباس های تمیز و الوان بر تنش کرده، در فواصل معین به او عطر و بخور زده، دست‌ها و پاهایش را حنا می‌گذارند. به منظور دفع غم، زنانی که با لباس سیاه به مراسم می‌آیند به مجلس راه داده نمی‌شوند (گاهی شبیه مراسم عروسی می‌شود). فردی که در گذشته تسخیر شده معمولاً لباس‌های آن روح را با خود می‌آورد زیرا لازم است وقتی ترانه‌ی روح مورد بحث خوانده می‌شود آن لباس‌ها را به تن کند و در صورت شنیدن ترانه‌ی روح، برقصد (الشاهی، ۱۳۸۷). ترجیحاً تعداد روزهای به طول انجامیدن مراسم باید عددی فرد باشد مثلاً سه، پنج و یا هفت روز. معمولاً میهمانان این گونه مراسم بسته به وسع خود در تدارک ملزومات شریک می‌شوند. به شخص تسخیرشده توجهی کامل می‌شود و خویشان نزدیک و شیخه مراقب هستند که تنها نماند. زیرا او را در وضعیت روانی ظریف و شکننده می‌دانند. طریقه‌ی قرار گرفتن در میدان محل مراسم به این صورت است که بیمار را رو به قبله قرار می‌دهند. نوازندگان در سمت چپ بیمار قرار می‌گیرند، شیخه در سمت راست بیمار. دیگر ملازمان در دو ردیف رو به روی هم قرار می‌گیرند. یک ردیف در کنار نوازندگان و ردیف دیگر در کنار شیخه با کمی فاصله به طوری که همراه با شیخه و نوازندگان تشکیل شکل حرف «L» را بدهند. دهانه‌ی باز این شکل به طرف درب ورودی اصلی منزل است و این نمادی از خروج روح از طرف باز به سوی درب اصلی است. بعد از استقرار تمام نفرات، یک مجمر (گشته سوز) از میان جمع گذرانده می‌شود. همه‌ی زنان حاضر خود را دود می‌دهند (Boddy, 1989, 160). زمانی که آوازخوانی همراه با ترانه‌های ارواح اجرا می‌شود، بیمار به دقت به موسیقی گوش سپرده و شروع به تاب خوردن و لرز می‌کند. فرد تسخیرشده دیگر قادر به ساکت ماندن نیست و روحی که فرد را تسخیر کرده به سراغش می‌رود تا با شنیدن ترانه روح برخاسته و برقصد (ینزیل)، پس از مدتی رقص، بیمار هشیاری خود را از دست داده و مدهوش نقش زمین می‌شود. در هنگام بی‌هوشی، شیخه بالای سر فرد تسخیرشده ایستاده از خواسته‌های روح می‌پرسد. این خواسته‌ها می‌تواند یک زیور زرین، ساعت، نوشابه‌الکلی و دیگر اقامت مورد پسند روح باشد. عقیده دارند روح است که این تقاضاها را مطرح می‌کند نه شخص مدهوش شده. شیخه قول می‌دهد تقاضا برآورده شود و نظارت می‌کند تا خویشان نزدیک فرد تسخیرشده تقاضاهای روح را برآورند. فرد تسخیرشده را آرام کرده و وادار به استراحت می‌کنند و طی هفت روز مراسم، هر از

می کنیم»^{۱۷}. سپس اولین دسته از ارواحی که نام برده می شوند عبارتند از: صوفیان (درویش) و دخترانشان (ستات) و مردان دین (فقرا). مشهورترین ارواح صوفیان از آن شیخ عبدالقادر گیلانی^{۱۸} است که بعضاً باد سرخ خوانده می شود. ترانه او بدین ترتیب است: «یا عبدالقادر، عبدالقادر مارا دریاب ای عبدالقادر». روح صوفی دیگر، شیخ احمد البداوی^{۱۹} است که با این الفاظ، کمک وی را طلب می کنند: «یا بداوی، استاد من ای کسی که بیماران را نجات دهی». دو صوفی مذکور غیرسودانی اند، روح ذیل از آن یکی از اولیاء مشهور سودانی است که ترانه اش بدین قرار است: «مردی که ظاهر شد^{۲۰}، او سید شاگردان است او مرد شهید، ام دورمان است»^{۲۱} (الشاهی، ۱۳۸۷).

ارواح نیز به اندازه‌ی انسان‌ها گوناگون اند: به عنوان مثال ارواح عرب، اروپایی، حبشی، آفریقایی، مسیحی و مسلمان (فقرا یا وراثیس) مذکر و مونث و بالاخره پرنده. با تغییر اوضاع اجتماعی-اقتصادی، ارواحی جدید با خواسته‌های تازه، وارد صحنه می شوند. هر روح یک ترانه (خیط) دارد که ضرباهنگ داشته و می تواند از یک یا چند سطر تشکیل شده باشد که تکرار می شود. برخی ترانه‌ها وصف روح مورد بحث است در حالی که ترانه‌های دیگر از تکرار اسامی و الفاظ تشکیل می شود. ارواح در مراسم مراتب ترجیحی ندارند، اما اولین دسته از ارواح از آن مردان دین اسلام اند که تأکیدی است بر اعتقادات اسلامی مردم و در پایان مراسم نیایش و ادعیه‌ای برای پیامبر می آید. سرود افتتاح عبارت است از: «بامحمد (ص) پیامبر آغاز

نتیجه

تسکین خاطری پیدا بکند. آیین و انجام مراسم آیینی راهی است که انسان برای رهایی از این اضطراب‌ها و تشویش‌ها انتخاب کرده است. آیین زار در میان بادباوران جنوب ایران نتیجه‌ی این اعتقادات است. همچنان که زبان و فرهنگ ساحل نشینان، به مانند اکثر جاها، در فاصله‌ی دو آبادی عوض می شود، معتقدات اهل هوا هم سال به سال در هر ناحیه و آبادی و حتی در نزد هر بابا و ماما و مبتلایان و معتقدین با یکدیگر فرق می کند. بادها در طول راهی که از آفریقا تا سواحل ایران پیموده‌اند، با فرهنگ و اساطیر و قصص مختلف مخلوط شده، حتی حال و محتوا عوض کرده و رنگ و شکل اسلامی به خود گرفته‌اند. از این جمله‌اند اشعار و اوراد، سنت‌ها و روش‌ها و مطهرات و محرمات. اما با این حال، مراسم رنگ‌آمیزی تند آفریقایی خود را از دست نداده است. تمام باباها و ماماها و بزرگان اهل هوا همه سیاهپوست اند و هر کدام یک یا چند باد در سر دارند. دهل‌های بزرگ آفریقایی اگر چه امروز در بازی‌های معمولی به کار گرفته نمی شوند ولی هنوز صدای دهل‌های دوسر بزرگ با عنوان «گپ دهل» با همان ضرب تند و رعب آور سواحل، شب‌ها از هر ده‌کوره‌ای بلند است، گویی که می خواهد با صدای برخورد امواج با صخره‌های ساحل مقابله کند و هنوز صدای آواز دسته جمعی اهل هوا و صدای پایکوبی مبتلایان و کوبیدن دست‌ها بر هم که خود حکم سازی کوبه‌ای را دارد با همان شور و حال آفریقایی خود به یاری صدای مهیب این دهل‌ها می شتابد. در جنوب کمتر سیاهپوستی است که انگشتانش با پوست دهل آشنا و صمیمی نباشد و کمتر کسی هست که در جمع اهل هوا حاضر شود و رعشه بر اندامش نیفتد و به رقص و حرکات موزون جمع نپیوندد. هرگوشی موسیقی خاص خود را به وجود آورده و در فراگرد زمانه هم دگرگون شده و یا به طور کلی تغییر حالت داده و این تغییر و دگرگونی را می توان به موازات دگرگونی زبان‌ها و گویش‌هایی که این اقوام چه در گذشته

با شرحی که از مراسم زار در ایران و سودان داده شد، در ساختار مراسم در هر دو منطقه شباهت‌های بسیاری مشاهده گردید؛ همچنین اولین و شاید عمده‌ترین تفاوت ساختاری که در مراسم به چشم می خورد این است که در آفریقا زنان بیش از مردان در معرض تسخیرشدگی زار قرار دارند. آیین‌های تسخیرشدگی زار بیشترین رواج را در میان بردگان سابق دارد، اما مهم تر از آن این است که اکثریت باباها و ماماها‌ی مراسم نیز بردگان پیشین‌اند. آنان به خاطر قدرتی که در اختیار دارند احترام می‌شوند و مردم از آنان بیم دارند. معمولاً مخالفان زار می‌گویند انگیزه‌ی غایی این آیین به دست آوردن کالاها و موادی است که شخص تسخیر شده جز در پرتو دستاویز تسخیرشدگی زار قادر به کسب آن نیست و بی‌تردید این جنبه مادی، عیان است. تمنای به دست آوردن کالاهایی که در شرایط عادی قابل حصول نیستند، برای افرادی که خود را محروم شده می‌بینند، سودبخش است. در مورد زنان قضیه به صورت تقاضای چیزهایی است که مردان مرتباً و بدون توسل به بهانه بیماری به آنها دسترسی دارند. با این همه نگرش به زار صرفاً از دیدگاه اقتصادی به معنای نادیده و دست کم گرفتن پیچیدگی‌های این کیش است. آیین‌ها، بستری برای بیان اساطیر هستند و اعتقادات و مذهب باعث به وجود آمدن آیین می شوند، بنابراین در مورد اعتقادات می شود گفت که ارتباط نزدیکی با اساطیر و قصص و امثال و حکم دارند. اعتقادات در مواقع حساس و لحظه‌هایی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد به کمک بشر آمده است. مثلاً مواجهه با مسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحط و فقر و حوادث طبیعی، همیشه برای بشر منبع اضطراب بوده است و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته است و چون هیچکدام از اینها را آدمی نمی‌توانسته از راه علم و منطق توجیه کند، به اعتقادات خود ساخته روی آورده است تا از اضطراب و تشویش رها شده،

اقوام ایرانی را باید در برش جغرافیای گویشی آنان مطالعه کنیم. موسیقی هرمزگان در انواع موسیقی موجود ایران در گروه موسیقی آیینی قرار دارد؛ نوعی از موسیقی که با اعتقادات و باورهای یک قوم پیوند و ارتباطی قوی دارد. موسیقی‌ای که در مراسم مذهبی، نیایش‌ها، زکرها اجرا می‌شود در این گروه جای دارند.

و چه در حال با آن سر و کار دارند تفهیم کرد. اگر به مطالعه‌ی گویشی‌های اقوام ایرانی در حال حاضر بپردازیم و به پژوهش رابطه‌ی زبان شناسانه‌ی آنان با موسیقی همان اقوام بپردازیم بی‌شک به جایگاه نقش پراهمیت زبان (گویی) در سامان بندی موسیقی این اقوام پی خواهیم برد. بدون این که به ورطه‌ی نظریه‌ی لوگوژنیک که معتقد است: «خاستگاه پیدایش موسیقی زبان است»، موسیقی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ آستوویذتو (استخوان شکن) با ایزد سوموقان از ایزدان جهان زیرین بابلی‌ها مطابقت دارد. سوموق در ترکی یعنی استخوان.
- ۲ یک نوع گیاه معطر است. همانطور که از اسمش پیداست به معنی خوش بو است.
- ۳ یک نوع گیاه بخور است که از هند می‌آورند.
- ۴ گیاهی است که در کوه می‌روید.
- ۵ چوبی است که از بمبئی می‌آورند. در استان هرمزگان در گذشته با سوزادن آن هوا خانه را خوش بو می‌کردند. در مراسم مختلف از گشته برای خوش بو کردن فضا استفاده می‌کردند. چوب سندل و چند گیاه خوشبو به اضافه شکر ماده اولیه گشته تشکیل می‌دادند.
- ۶ علاوه بر اهل هوا ممکن است عده‌ای دیگر در مجلس بازی حاضر شوند که مبتلا و گرفتار هیچ بادی نیستند. این اشخاص را «صافی» می‌گویند. در بعضی مناطق، آن عده از صافی‌ها را که علاقه به مجالس بازی دارند، اصطلاحاً «اهل عشق» می‌گویند.
- ۷ زبان مادر نیجر-کنگو، ۵۰۰ هزار سال پیش وجود داشته که به تدریج به هفت زیرگروه تقسیم شده که زبان بنو-کنگو، مهمترین زیر گروه خانواده‌ی این زبان است. یکی از شاخه‌های این زیرگروه، «بانتو» است. زبان سواحلی یکی از زیرشاخه‌های بانتو است و با ۵۰ میلیون نفر، بعد از عربی رایج ترین زبان آفریقایی به شمار می‌رود.
- ۸ مطالب این بخش مربوط است به قبایل شمال سودان. قومی به نام شایقیه و روستایی به نام هوفریات.
- ۹ مورد یا مز یا مرمکی؛ گیاهی است که در نواحی گرم و مرطوب مثل هندوستان و کرانه‌های نیل می‌روید و بسیار خوشبو است و مصریان در مواقع جشن و شادمانی، شاخ و برگ آن را مانند تاج بر سر می‌گذاشتند.
- ۱۰ بنژوئن، حسن لبه، لبان جاوی گیاهی با صمغی خوشبو به رنگ قهوه‌ای مایل به سرخ که محتوی بنزوییک است و در طب بکار می‌رود.
- ۱۱ شیرین بیان گیاهی خودرو از تیره‌ی سبزی‌آسها، بومی جنوب اروپا، شمال آفریقا و نواحی معتدل آسیاست. ریشه و ساقه‌ی زیرزمینی آن مصرف دارویی دارد.
- ۱۲ مصطکی صمغ زرد رنگ که از درخت ضررو می‌تراود. نوعی سقز خوشبو و شنبیه به کندر که آن را آراء و پلاجور و رماس نیز می‌گویند.
- ۱۳ صنندل یکی از درختان خوشبو می‌باشد. گونه‌های این درخت در نیال، جنوب هند، سریلانکا، هاوایی، جزایر اقیانوس آرام جنوبی و استرالیا یافت می‌شود. از چوب صنندل هم به عنوان ماده خوشبوکننده استفاده می‌شود.
- ۱۴ مهلب (مطلب) درختی است مانند درخت بید و گل سپید دارد. دانه‌ی آن را که از فندق کوچکتر است در عطرها به کار می‌برند.
- ۱۵ یک نوع لباس عروس توری است و هم چنین به هنگام تولد فرزند و ختنه‌ی مردان و زنان می‌پوشند. روی آن می‌اندازند.
- ۱۶ حین ذبح، می‌خوانند: «قربانی کن بلکه پذیرفته شود، خدا کند به خواست خدا پذیرفته شود، ای صاحبان مردم خونی، این قربانی شما در قربانی حیوان است».
- ۱۷ واژه‌ای که به کار می‌برند، «الجیب» یکی از صفات پیامبر است.
- ۱۸ شیخ عبدالقادر گیلانی (۱۱۶۶-۱۰۷۷ م)؛ سر حلقه‌ی سلسله‌ی صوفیان قادریه (جیلانیه) در بغداد بود. این طریقت صوفیانه در قرن ۱۶ میلادی در سودان ارائه شد. این شیخ که در بلوچستان ایران به «غوث» معروف است، از ارواح و بادهای مشایخ است. این شیخ در تمام سواحل جنوبی ایران، آفریقا، عربستان، شیخ نشین‌ها و افغانستان و هندوستان دارای پیروان فراوان است و هر ساله مریدانش برای زیارت قبرش به بغداد روی می‌آورند. او را با القابی چون «پیر»، «غوث الثقلین»، «غوث اعظم» و «شیخ مشرق» نیز می‌خوانند (ریاحی، ۱۳۵۶، ۲۸).
- ۱۹ شیخ احمد البدایوی (مرگ ۱۲۷۶ م)، بنیان‌گذار طریقت بدایویه در طنه‌ی مصر بود. عمده پیروان او در مصر هستند. طریقت وی بسیاری بزرگ شدگان شهری برده تبار را به خود جلب می‌کند. محتملاً همان شیخ احمد بدوی از مشایخ بلوچستان ایران باشد که مقبره اش در عدن می‌باشد و هر ساله برای بزرگداشت او مجالس مولود برپا می‌سازند.
- ۲۰ در اعتقادات زار، روح در رویا بر شخص تسخیر شده ظاهر می‌گردد. این امر در مورد مردان دین (فقرا) نیز صورت می‌گیرد. این فقرا پس از مرگ در نقطه‌ای غیر از محل مرگ متوفی بر او ظاهر می‌شوند.
- ۲۱ ام دورمان (وادریه)، شیخ محمد احمد بدر (۱۸۸۰-۱۸۸۴ م) است که مردم او را به نام شیخ العباد می‌شناسند. وی بنیان‌گذار ام دورمان، دهکده‌ای در ساحل شرقی نیل آبی بود، همچنین مدرسه‌ی علمیه‌ای پی افکند که شمار زیادی برای کسب علم به آنجا می‌روند. مدیر مدرسه‌ی علمیه را شیخ الحیران می‌گویند.

فهرست منابع:

- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶)، هویت سازی اجتماعی از راه بادنمایی گشتاری، سایت انسان شناسی و فرهنگ.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۰)، اهل هوا، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، مقاله شماره ۳۹۴۵ و ۴۱۵۶، تهران.
- بلینگا، انو (۲۵۳۶)، موسیقی سنتی آفریقای سیاه، ترجمه افضل وثوقی، هنر و فرهنگ آفریقای سیاه، انتشارات سروش، تهران.
- ترائوره، باکاری (۲۵۳۶)، معنا و وظیفه تئاتر سنتی آفریقای سیاه، ترجمه بیژن صدف، هنر و فرهنگ آفریقای سیاه، انتشارات سروش، تهران.
- جلالی نیا، محمد (۱۳۸۷)، پژوهشی بر موسیقی سنتی هرمزگان، میراث فرهنگی استان هرمزگان، بندرعباس.
- حجاریان، محسن (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر موسیقی شناسی قومی، انتشارات نیک و پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- خوانساری، آقا جمال (۲۵۳۵)، کلتوم ننه، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران.
- داویدیان، ه.، ساعدی، غ (۱۳۴۴)، تجزیه و تحلیلی از آل و ام الصبیان بر مبنای روانشناسی، مجله سخن، شماره ۱۷۹، صص ۳۴-۱۹.
- درویشی، محمد رضا (۱۳۸۰ و ۱۳۸۴)، دایرةالمعارف سازهای ایرانی جلد اول و دوم، نشر ماهور، چاپ اول، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، فرهنگ متوسط (لغت نامه)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضی، هاشم (۱۳۶۳)، اوستا، انتشارات فروهر، چاپ اول، تهران.
- ریاحی، علی (۱۳۵۶)، زار، باد، بلوچ، تهران.
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۵)، اهل هوا، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
- الشاهی، احمد (۱۳۸۷)، زار در میان شایقیه شمال سودان، ترجمه مهرداد وحدتی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۸)، شاخه ی زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، انتشارات آگاه، چاپ ششم، تهران.
- کتاب هرمزگان (۱۳۸۸)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان.
- کسراثیان، نصرالله، عرشی، زیبا (۱۳۸۱)، سرزمین مایران، انتشارات آگاه، چاپ سیزدهم، تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، انتشارات فرهنگ نما، تهران.
- هینلن، جان (۱۳۸۷)، شناخت اساطیر ایران، ژاله آموزگار، ترجمه احمد تفضلی، نشر چشمه، چاپ سیزدهم، تهران.

Boddy, Janice (1989), *Womb and Alien Sprits: Women, Men and the Zar Cult in Northern Sudan*, Madison, London, 53711-2059.

Harding, Karo (1996), *The zar revisited*, Crescent Moon Magazine, July- Aug.

Egyptian center for culture and art: [http:// danceyourselfhappy.typepad.com](http://danceyourselfhappy.typepad.com)

Horniman museum: [http:// www.horniman.ac.uk](http://www.horniman.ac.uk).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی